

به نام خدا

مفهوم عاق والدین و تأثیر آن در نسل افراد

اکرم یوسفی^۱

چکیده

عاق والدین در ادبیات اسلامی از جمله گناهان بزرگ و به معنی رساندن هر نوع آزار به والدین توسط فرزند و یا رنجاندن آنها به هر نحو است. در روایات شیعه مصادیقی چون نافرمانی والدین، نگاه غضبناک، احترام نکردن و... در زمره عقوق والدین آورده شده است. همچنین ورود به دوزخ و محروم شدن از استشمام رایحه بهشت، سكرات موت و عذاب در قبر، پذیرفته نشدن عبادات مانند حج و نماز، دچار شدن به بلاهای دنیوی و فقر و نیز مستجاب نشدن دعا از جمله عواقب دچار شدن فرد به عاق والدین ذکر شده است. همچنین بنابر روایات عقوق والدین مشروط به زنده بودن آنها نیست و فرد ممکن است پس از درگذشت والدین خود نیز در صورت رعایت نکردن حقوق آنها، دچار عاق والدین گردد. بر اساس آیات گوناگون قرآن کریم نیز نیکی کردن به پدر و مادر از جمله واجبات روشن و مورد تأکید است. این وجوب مؤکد تا جایی پیش می‌رود که حتی در صورت مشرک بودن والدین نیز فرزند حق بی‌احترامی به آنها را ندارد و تنها می‌تواند در جایی که خواسته‌ای بر خلاف دستورات اسلام داشته باشند، از آنها نافرمانی کند. در این مقاله سعی شده است تا با مراجعه به منابع معتبر روایی مفهوم عقوق والدین و آثار آن بر زندگی فرد به ویژه تأثیر آن در نسل افراد بررسی شود.

واژگان کلیدی: عاق، عقوق والدین، احترام به پدر و مادر، گناه کبیره، نسل.

1. طلبه سطح دو حوزه علمیه خواهران قم - مدرسه علمیه الزهرا (سلام الله علیها)

مقدمه

بی‌شک مهم‌ترین و بنیادی‌ترین پیوند انسان‌ها، پیوند خانوادگی است که رکن اساسی آن را والدین فرد تشکیل می‌دهند؛ چراکه یک مسأله فطری است و پدر و مادر نزدیک‌ترین افراد به انسان هستند؛ لذا تمامی ادیان و فرهنگ‌های گوناگون، احترام خاصی برای والدین انسان قائل هستند اما دین مبین اسلام مضاف بر این احترام ویژه، حقوق اخلاقی وسیعی را برای پدر و مادر بر می‌شمرد و هر نوع آزار و اذیت آنان را پایمال نمودن حقوق آنها می‌داند؛ تا آنجا که برخی وظایف فقهی نیز بر ذمه فرزند دانسته است که از جمله آنها می‌توان به وجوب پرداخت نفقه توسط فرزند به والدین نیازمند، اشاره نمود.^۱

بنا به سنا اسلامی، برای رسیدن به رضایت خداوند بزرگ، هیچ عبادتی همچون احسان به والدین مؤمن نیست؛ زیرا حق والدین از حق خدای عزوجل سرچشمه گرفته است. خداوند در قرآن به انسان دستور داده است که به والدین خود نیکی نموده و به آنها احسان نماید.^۲ در روایات ما نیز توصیه‌های بی‌شمار و فراوانی در باب احترام و مهربانی نسبت به والدین وجود دارد از جمله اینکه در برابر زحمات بی‌دریغ و خالصانه آنها سپاس‌گزار بوده و از هر گونه کرداری که موجب ایجاد کوچک‌ترین ناراحتی برای آنها شود، به جد پرهیز کنیم. خداوند متعال در کتاب خود در بیست و سه آیه به صورت واضح و صریح و یا به صورت اشاره، به رعایت حقوق والدین دستور داده است^۳ و آن‌چنان به حرمت پدر و مادر اهمیت می‌دهد که در قرآن کریم نیکی به والدین در چهار مورد هم‌ردیف با توحید یاد شده^۴ که نشانگر عظمتی است که دین مبین اسلام برای احسان به والدین قائل است و در یک مورد نیز تشکر از آنان را در کنار سپاسگزاری از خداوند قرار می‌دهد.^۵

1. والدین علاوه بر همسر و فرزندان، از جمله کسانی هستند که نفقه آنان بر عهده انسان است و شخص باید نفقه آنان را پرداخت کند. برای مطالعه بیشتر، ر.ک: حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 525، باب وجوب النفقة الابوين و الولد؛ و موسوی خمینی، نجاه العباد، ص 382.

2. ناجی جزایری، فرزندان رحمت شده و فرزندان نفرین شده، ص 32.

3. ن.ک: بلد: 3، نوح: 38، احقاف: 14 و 17-19، لقمان: 14-15، عنکبوت: 8 و 90، اسراء: 23-25، مریم: 14 و 32، ابراهیم: 40، انعام: 151، نساء: 36 و 135، بقره: 83 و 180 و 215.

4. اسراء: 23، انعام: 151، نساء: 36، بقره: 83.

5. لقمان: 14.

پس روشن می‌شود که احسان به پدر و مادر پس از مسأله توحید از اوجب واجبات است همان طور که مسأله «عقوق والدین» پس از شرک به خدا، از گناهان کبیره برشمرده شده است.^۱ اما مسأله اینجاست که فرزندان گاهی با اعمال و رفتار خود دل و حرمت والدین خود را می‌شکنند که موجب ناراحتی و نارضایتی پدر و مادر از فرزند می‌گردد؛ از این امر در ادبیات اسلامی به «عاق والدین» یا «عقوق والدین» یاد شده است.

از جمله عواقب عاق شدن توسط والدین، نارضایتی و خشم خداوند، پذیرفته نشدن عبادات و دعا، کوتاه شدن عمر، سختی جان دادن، گرفتاری به عذاب جهنم و... است؛ همچنین گاهی مشکلات و رنج‌های سخت که با اشکال گوناگون به انسان اصابت می‌نمایند، مانند بیماری، مصائب مالی و سختی‌های اقتصادی و...، همگی می‌توانند بر اثر عاق والدین و نارضایتی آنها از فرزند خود برای فرد رخ دهند به گونه‌ای که حتی بر نسل‌های آینده نیز اثر می‌گذارند. در این نوشتار بر آنیم تا با بررسی آیات مختلف قرآن کریم و کاوش در روایات وارده در این زمینه، به بررسی چیستی عقوق والدین و آثار آن، به ویژه تأثیر آن در نسل افراد بپردازیم.

1. مفهوم عاق والدین

پیش از ورود به اصل مبحث و برای روشن شدن گستره عرصه پژوهشی پیش رو، نیاز است تا با ادبیات موضوع بیشتر آشنا شویم؛ لذا با مراجعه به منابع لغوی و اخلاقی، ابتدا به تعریف عاق والدین می‌پردازیم:

1-1. تعریف لغوی

با مراجعه به کتب لغوی و فرهنگ‌های واژه شناسی عربی درمی‌یابیم که واژه «عاق» از ماده «عَقَّ-يَعُقُّ» و ریشه «ع ق ق» به معنی بریدن و قطع کردن است؛^۲ همچنان که قربانی برای سلامتی را به این دلیل عقیقه می‌گویند که ذبح شده و گلایش بریده می‌شود.^۳ ابن منظور

1. موسوی همدانی، ترجمه تفسیر المیزان، ج 25، ص 139.

2. «وَالْأَصْلُ فِي كُلِّ ذَلِكَ عَقَّ يَعْقُ عَقًّا: إِذَا شَقَّ وَ قَطَعَ، فَهُوَ مَعْقُوقٌ وَ عَقِيقٌ». حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 13، ص 339.

3. «وَقِيلَ لِلدَّبِيحَةِ عَقِيقَةٌ، لِأَنَّهَا يُشَقُّ حَلْقُهَا». ابن اثیر، النهاية فی غریب الحديث والأثر، ج 3، ص 276.

نیز در لسان العرب همین معنا را برای این واژه ذکر کرده است.^۱ همچنین به معنای «مخالفت کردن با کسی» نیز آورده شده است.^۲

1-2. تعریف اصطلاحی

راغب اصفهانی در تعریف احسان به والدین، آن را ضد «عقوق» معرفی می‌کند.^۳ زبیدی نیز در تاج العروس می‌آورد:

«وَعَقَّ وَالِدَهُ يَعْقُّ عَقًّا، وَ عُقُوقًا بِالضَّمِّ وَ مَعَقَّةً: شَقَّ عَصَا طَاعَتِهِ، وَ هُوَ ضِدُّ بَرِّهِ وَ قَدْ يَعَمُّ بَلْفُظُ الْعُقُوقِ جَمِيعُ الرَّحِمِ؛

عقوق والدین به معنی سرپیچی از فرمان آنهاست و ضد احسان به آنها. همچنین گاهی عاق به تمام رحم نیز سرایت داده شده است.»^۴

ملاصدرا نیز در تفسیر خود عقوق را مخالفت احسان و نیکی می‌داند.^۵ همچنین از ظاهر عبارت آخر این کلام چنین بر می‌آید که عقوق شامل تمام خویشان نیز می‌شود و مختص والدین نیست. عاق والدین در مورد فرزندی است که پدر و مادر هر دو یا یکی از آنان از او ناراضی بوده و او را نفرین کرده باشند. عقوق و آزدن پدر و مادر بدترین نوع قطع رحم و از گناهان کبیره است. آیت‌الله دستغیب (ره) به نقل از علامه مجلسی در مرآت‌العقول می‌آورد:

«عقوق والدین به این است که فرزند، حرمت پدر و مادر را رعایت نکند و بی‌ادبی نماید و آنها را به سبب گرفتاری یا رفتاری برنجاند و آزار و اذیت کند و در چیزهایی که عقلاً و شرعاً مانعی ندارد از آنها نافرمانی نماید و این عقوق از (بزرگترین) گناهان کبیره است و دلیل بر حرمت آن کتاب و سنت و اجماع خاصه و عامه است.»^۶

1. «عَقَّقَ: عَقَّه يَعْقُّهُ عَقًّا، فَهُوَ مَعْقُوقٌ وَعَقِيقٌ: شَقَّه.» ابن‌منظور، لسان العرب، ج 10، ص 255.

2. «وقال أبو زيد في «نوادره»: يقال عاققت فلاناً أعاقه عقاقاً، إذا خالفته.» ازهری، تهذيب اللغة، ج 1، ص 49.

3. «وبرَّ الوالدین: التوسع فی الإحسان إلیهما، وضده العقوق.» راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 362.

4. حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ج 13، ص 340.

5. «و ضد البرّ: العقوق.» صدرالدین شیرازی، تفسیر القرآن الکریم، ج 3، ص 257.

6. دستغیب، گناهان کبیره، ج 1، ص 120؛ مجلسی، مرآت‌العقول، ج 8، ص 391.

2. مصادیق عقوق والدین

پس از دانستن معنا و چیستی عقوق والدین، برای حفظ حرمت پدر و مادر و بحث در این زمینه نیاز است تا مصادیق آن را نیز بدانیم. عاق والدین به هر نوع آزرده و نافرمانی پدر و مادر یا یکی از آن دو گفته می‌شود. در روایات نگاه تند و خشم‌آلود^۱ ضایع کردن حقوق^۲، برآورده نکردن خواسته، انجام ندادن فرمان، احترام نکردن^۳ از مصادیق آن شمرده شده است. در این زمینه ملا احمد نراقی (ره) در کتاب اخلاقی معراج السعاده می‌فرماید:

«و بدان که عقوق پدر و مادر عبارت است از: [به] خشم آوردن و شکستن دل و آزرده خاطر ایشان؛ و به هر نوع که دل ایشان آزرده شود، عقوق حاصل می‌شود و آدمی مستحق عذاب الهی و بلای غیرمتناهی می‌گردد؛ خواه به زدن باشد یا دشنام دادن یا صدا به ایشان بلند کردن یا تیز بر ایشان نگریستن یا از ایشان روی گردانیدن و بی‌اعتنائی یا نافرمانی ایشان نمودن در امری که اطاعت ایشان لازم است.»^۴

در قرآن کریم کوچکترین بی‌احترامی به والدین نیز نهی شده است: «فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ كَثْرَةً أَوْ كَلِمَةً مُذْمُومَةً» (اسراء: 23) «اف» مانند کلمه «آخ» در فارسی انزجار را افاده می‌کند. اگر حکم را اختصاص به دوران پیری پدر و مادر داده از این جهت بوده که پدر و مادر، در آن دوران سخت‌ترین حالات را دارند و بیشتر احساس احتیاج به کمک فرزند می‌نمایند.^۵ وگرنه چه محتاج باشند یا نباشند، احترام آنان واجب است و در معاشرت و سخن گفتن رعایت آنها را باید نمود. امام صادق (ع) می‌فرماید:

«أَدْنَى الْعُقُوقِ أَفٌّ وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ شَيْئاً أَهْوَنَ مِنْهُ لَنَهَى عَنْهُ»

1. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۴۹.

2. تمیمی آمدی، غرر الحکم، ص ۶۷۱.

3. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۹۴.

4. نراقی، معراج السعاده، ص 531-532.

5. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر، ترجمه تفسیر المیزان، ج 25، ص 140.

3- آنها را تا آخر عمر نباید فراموش کرد. باید برای‌شان طلب آمرزش و رحمت کرد. به نیابت از آنها صدقه داد. اعمال مستحب به قصد و نیت آنها به جا آورد. هدایای معنوی برای آنها فرستاد.

بی توجهی فرزندان و فراموش کردن پدر و مادر پس از مرگ آنها و سهل انگاری در پرداخت حقوقی که در دنیا بر گردن آنها بوده و عمدا یا سهوا پرداخت نکرده اند، باعث آزرده‌گی و اذیت شدن و ناراحتی آنها می گردد و همین به معنای عاق والدین است و برعکس جبران کوتاهی‌ها و بی احترامی‌ها و بی توجهی‌هایی که نسبت به پدر و مادر در زمان زنده بودنشان روا داشته شده باعث شادی و خرسندی آنها در عالم برزخ می گردد و موجب می شوند فرزندانی که در زمان زنده بودنشان عاق آنها بوده اند، در اثر نیکی پس از مرگشان، پدر و مادر از آنها راضی شوند و مورد دعای خیر و لطف آنها قرار بگیرند.

در پایان، شاید بهترین نکته‌ای که بتوان گفت، سخن هشداردهنده مرحوم ملا احمد نراقی باشد:

«پس هان هان ای جان برادر! با هوش باش و بر جان خود رحم کن. و از تیغ عقوق پدر و مادر حذر نمای و یاد آور طول تصدیع و زحمت ایشان را در پرورش تو، بنگر خود بی‌خوابی کشیدند تا تو را خواب کنند. و گرسنگی خوردند تا تو را سیر کنند. سالهای سال تو را در آغوش مهربانی کشیده‌اند و به شیره جان پروریده‌اند و عمر و جان خود را در راه تو صرف نموده‌اند. زهی بی‌مروتی و بی‌انصافی که بعد از آنکه اندک قوتی در خود بیابی، همه آنها را فراموش کنی.»¹

1. نراقی، معراج‌السعادة، ص 532.

نتیجه گیری

از مجموع تمامی مطالبی که عنوان شد و پس از تحلیل و کند و کاو در مباحث بیان شده در این پژوهش می توان چنین نتیجه گرفت:

یکی از مسائل مهم اخلاقی، نیکی به پدر و مادر و احترام به آنهاست. قرآن کریم نیکی به پدر و مادر را پس از عبادت خدای سبحان ذکر کرده است و این خود دلیل بر اهمیت زیاد احترام و نیکی به آنهاست.

عاق والدین در مورد فرزندی است که پدر و مادر هر دو یا یکی از آنان از او ناراضی بوده و او را نفرین کرده باشند. عقوق و آزدن پدر و مادر بدترین نوع قطع رحم و از گناهان کبیره است. با توجه به این آیات و روایات بسیاری که در این باب بررسی و ذکر شد، می توان عواقب عقوق والدین در دنیا و آخرت را این گونه بر شمرد:

- 1- موجب خشم خدا و پیامبر(ص) است.
- 2- مانع قبولی نماز است.
- 3- سلب توفیق می کند و گره در کار می اندازد.
- 4- دعا اجابت نمی شود.
- 5- فقر و تنگدستی می آورد.
- 6- موجب جوان مرگی است.
- 7- سبب گرفتگی زبان هنگام مرگ برای ادای شهادتین است.
- 8- خداوند با عاق والدین سخن نمی گوید.
- 9- خداوند نگاه رحمت به او ندارد.
- 10- بهشت بر عاق والدین حرام است.

اولیای گرامی اسلام نیز به پیروانشان سفارش و تأکید کرده اند که به پدر و مادر، در حال حیات و پس از مرگ، نیکی کنند. نیکی در حال حیات که روشن است. اما نیکی و احترام به آنها پس از مرگ آن است که اگر تکلیف واجبی برعهده آنها باقی مانده، به نیابت آنها انجام دهند، قرض آنها را ادا کنند، زیارت، صدقه، نماز مستحبی و سایر امور خیر را به نیت آنان به جا آورند و ثوابش را به روح آنان هدیه کنند.

می‌توان چنین گفت که اخلاق و صفات روحی انسان اعم از خوب و بد، از درون او بر می‌خیزد و با اراده او شکل می‌گیرد ولی انکار نمی‌توان کرد که زمینه‌های متعددی برای شکل‌گیری اخلاق خوب و بد وجود دارد که یکی از آنها وراثت از پدر و مادر و همچنین تربیت خانوادگی است؛ و این مسأله تحلیل‌های علمی و منطقی، شواهد عینی و تجربی فراوان دارد که قابل انکار نیست.

نکته پایانی اینکه، روشن است که انسان‌ها گاهی در زندگی روزمره باعث اذیت دیگران می‌شوند. زیرا ما انسان‌ها جائز الخطا هستیم. اما مهم این است که ما نباید عملاً به اذیت دیگران مخصوصاً پدر و مادر بپردازیم، باید کاری کنیم که محبوب آنها باشیم یعنی به آنها احترام کنیم، از آنها در کارها مشورت بخواهیم، با احترام و مهربانی خواسته خود را مطرح کنیم، سر آنها داد و فریاد نکنیم، نزد دیگران از زحماتشان قدردانی کنیم و هرگاه اشتباه کردیم سریع نسبت به اشتباه خود از آنها پوزش بطلبیم.

منابع و مأخذ

* قرآن کریم

1. ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث والأثر*، بيروت: المكتبة العلمية، 1399ق.
2. ابن بابويه قمی (صدوق)، محمد بن علی، *الخصال المحموده و المذمومه*، ترجمه صادق حسن زاده، قم: فکرآوران، 1386ش.
3. _____، *من لا يحضره الفقيه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1413ق.
4. _____، *معانی الاخبار*، ترجمه عبدالعلی محمدی شاهرودی تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1377ش.
5. ابن طاووس، علی بن موسی، *مهج الدعوات و منهج العبادات*، ترجمه محمد تقی طبسی، تهران: نشر رایحه، ۱۳۷۹ ش.
6. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بيروت: دار صادر، 1414ق.
7. ازهری، محمد بن احمد، *تهذيب اللغة*، بيروت: دار احيا التراث العربی، 1421ق.
8. برقی، احمد بن محمد، *المحاسن*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۱ق.
9. تمیمی آمدی، عبدالواحد، *غررالحکم و دررالکلم*، ترجمه سیدهاشم رسولی محلاتی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1410ق.
10. تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، *دعائم الاسلام فی ذکر الحلال والحرام والقضايا والاحکام*، قم: مؤسسه آل البيت (ع)، 1385ق.
11. حر عاملی، محمد بن حسن، *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*، قم: نشر آل البيت، 1414ق.
12. حسینی زبیدی، سید محمد مرتضی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بيروت: دار الفكر، 1414ق.
13. حویزی، علی بن جمعه، *تفسیر نور الثقلین*، قم: مطبعة الحکمه، 1383ق.
14. دستغیب، عبدالحسین، *گناهان کبیره*، قم: انتشارات جامعه مدرسین، 1388ش.

15. دیلمی، حسن بن ابی‌الحسن، ارشاد القلوب، ترجمه رضایی، تهران: اسلامیه، ۱۳۷۷ ش.
16. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، قم: دفتر نشر کتاب، 1404 ق.
17. شهید ثانی، زین الدین بن علی، منیة المريد فی أدب المفید و المستفید، تحقیق رضا مختاری، قم، مکتب الإعلام الإسلامی، ۱۴۰۹ ق.
18. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، قم: نشر بیدار، 1366 ش.
19. طوسی، محمد بن حسن، کتاب الغیبة، قم: دارالمعارف الاسلامیه، 1411 ق.
20. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، قم: دارالاسوه، 1376 ش.
21. فتال نیشابوری، محمد بن حسن، روضه الواعظین و بصیرة المتعظمین، قم: انتشارات دلیل ما، 1423 ق.
22. قمی، عباس، نزهة النواظر: ترجمه معدن الجواهر، تهران: برهان صادق، 1392 ش.
23. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار. بیروت: داراحیاء التراث العربی، 1404 ق.
24. _____، مرآت‌العقول فی شرح اخبار آل الرسول، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.
25. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق در قرآن، قم: مدرسه امام علی بن ابی‌طالب (ع)، 1377 ش.
26. مکی عاملی (شهید اول)، محمد بن جمال الدین، الدرّ الباهره من الاصداف الطاهره، محقق / مصحح: مسعودی، عبد الهادی، قم: انتشارات زائر، ۱۳۷۹ ش.
27. موسوی همدانی، سیدمحمدباقر (1374). ترجمه تفسیر المیزان. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
28. ناجی جزایری، سیدهاشم، فرزندان رحمت شده و فرزندان نفرین شده، قم: ناجی جزایری، چاپ سوم، 1389 ش.
29. نراقی، محمد مهدی، معراج السعاده، قم: انتشارات هجرت، 1382 ش.
30. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البيت لاحیاء التراث، 1408 ق.
31. یوسفیان، نعمت الله، تربیت دینی و فرزندان، قم: زمزم هدایت وابسته به پژوهشکده علوم اسلامی امام صادق (ع)، 1386 ش.